

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دمیتری سدوف - (Dmitriy Sedov)

برگردان از: ا. م. شیری

۲۷ نومبر ۲۰۱۴

رئیس جمهور امریکا به مثابه خطری برای صلح

در مقاله مشترک مندرج در تایمز به تاریخ ۴ سپتمبر ۲۰۱۴، روز گشایش اجلاس ناتو در ولز، بارک اوباما و دیوید کامرون اظهار داشتند: «هنگامی که روسیه سعی می کند به زور اسلحه یک دولت مستقل را به امتناع از حقوق دمکراتیک خود وادار نماید، ما باید از حق اوکراین برای حل دمکراتیک آینده خود حمایت کنیم و همچنین، به تلاشهایمان برای تقویت ظرفیتهای اوکراین ادامه دهیم. ما باید از نیروهای مسلح خود برای تضمین حضور قدرتمندان در شرق اروپا استفاده نموده، به طور جدی به روسیه بفهمانیم، که ما بر اساس ماده ۵ پیمان ناتو، همواره به تعهدات خود برای دفاع جمعی پایبند خواهیم بود».

لحن تهدید آمیز و گفتمان جنگجویانه مقاله به آن اشاره دارد، که امریکائیا و انگلیسها به طور جدی لجوج هستند. سخنان اوباما در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تاریخ ۲۰ سپتمبر در نیویورک، که طی آن رئیس جمهور امریکا روسیه را در ردیف خطرانی مانند وپروس ابولا و تروریستهای «دولت اسلامی» قرار داد، این مدعا را تأیید می کند. همان دلایل در سخنان اوباما هنگام اجلاس جی ۲۰ در دانشگاه بریسن هم تکرار گردید. او گفت: «ما مبارزه و مقاومت جامعه جهانی با طاعون ابولا در غرب افریقا و تجاوز روسیه به اوکراین را رهبری می کنیم».

بارک اوباما واقعاً هم در آستانه آن شکستی قرار دارد، که افراد قوی امریکا هرگز بر او نخواهند بخشید. شکست در تمام خطوط سیاست خارجی برنده جایزه صلح نوبل نمایان شده است. این شکست اکنون منافع ژئوپلیتیک امریکا را هدف گرفته و ضرباتش در آینده سنگین تر خواهد بود.

تصور این که سیاست خارجی دولت اوباما حداقل بعد از دو-سه سال چه ثمراتی خواهد داد، دشوار نیست:

- طالبان در افغانستان به قدرت باز خواهند گشت؛

- جنگ قومی- مذهبی با صدها هزار قربانی در عراق شدت خواهد گرفت. کمپانیهای نفتی امریکا و انگلیس از عراق اخراج خواهند شد؛

- لیبیا به چند منطقه قبيله نی متخاصم با همدیگر تقسیم خواهد گردید. نفت لیبیا و مناطق ساحلی دارای اهمیت راهبردی آن از دسترسی امریکا دور خواهد ماند؛

- مخالفان مسلح دست نشانده امریکا در سوریه متحمل شکست خواهند شد، برنامه «دمکراتیزه کردن» سوریه و تقسیم مجدد خاورمیانه بزرگ با شکست مواجه خواهد گشت؛

- ائتلاف حاکم در المان شکست خواهد خورد، گرایشات گریز از مرکز در میان کشورهای عضو ناتو تقویت خواهد شد؛

- اوکراین در باتلاق هرج و مرج سیاسی عمیق غرق خواهد شد و بر بستر آن، جمهوریهای خلقی دانستک و لوهانسک به استقلال خود دست خواهند یافت.

از میان همه این سوژه ها، سوژه اوکراین در سرنوشت اولین رئیس جمهور افریقائی تبار امریکا نقش مهمی بازی می کند. اهمیت آن از منظر برنامه دراز مدت ناتو قابل مقایسه با افغانستان و «دولت اسلامی» یا لیبیا و سوریه نیست. جنگ اوکراین هدف غرب را آشکار ساخت. قلمرو اوکراین می بایستی به سکوی اصلی حمله تمدن یهودی- پروتستان به روسیه- به عنوان نماینده نوع دیگر تمدن تبدیل می گشت. حتی ارتش نواروسیه (روسیه جدید. م.) که پرچم مزین به نشان اعجاز انگیز و نجاتبخش گنورگی را و ارتش اوکراین که پرچم زرد و آبی رنگ اهدائی فون وارتهاوزن، حاکم گالیسی به هنگ سرکوب هنگام عزیمت به مجارستان در سال ۱۸۴۵، برای سرکوبی شورشهای دهقانی را بالا می برد، از رویارویی تمدنها حکایت می کنند.

درزهای طرح حمله ناتو به روسیه از طریق اوکراین، طرحی که میلیاردها دالر برای آن هزینه شده، پاره می شود. روسیه با اقدامات خود موفق شد عملیاتی را خنثی سازد که اسم رمز آن را جهان هنوز نمی داند.

ابتداء آرزوها در خصوص واگذاری پایگاه نظامی- دریایی سواستوپل به ناوگان مشترک ناتو و استقرار نیروی هوایی ستراتیژیک امریکا در فرودگاههای شبه جزیره کریمه بر باد رفت. کریمه از زیر دماغ خارج شد. به همین سبب، افراد قوی امریکا زمانی از پارک اوپاما خواهند پرسید: «چرا این طوری شد جناب رئیس جمهور؟ به خاطر خروج در تکاپو بودید»؟

برنده جایزه نوبل آرامش خود را از دست داده و خطر برابر با بی کفایتی دوره خدمتش را احساس کرده است. او بسیار آرزومند اثبات آن بود، که پروژه او شکست نخورده و نیروهای مسلح اوکراین را بدون تعلل برای سرکوبی دنباس شورشی اعزام کرد.

در مقایسه با «اشتباه کریمه» این یکی اشتباه بسیار بزرگی بود. نیروهای مسلح اوکراین در نهایت با تحمل تلفات عقب نشستند، و مغلوبیت آنها اوکراین را در وضعیت کشور در هم شکسته قرار داد. بحث در خصوص عضویت آن در ناتو غیرممکن است.

پس از این، برای افراد قوی امریکا دیگر سؤال از رئیس جمهور پیش نیامد، بلکه، آنها خواستار آنند که: «وضعیت را اصلاح نماید! زمان می گذرد». پارک اوپاما سر گیجه گرفته. او نمی تواند «وضعیت را اصلاح نماید. برای این که جنگ، اوکراین را تقسیم نموده، تشکیل مجدد کشور واحد از طرق صلح آمیز را غیرممکن ساخته است و احتمال پیروزی این رژیم با بقایای ارتش آن در جنگ جدید وجود ندارد.

رئیس جمهور امریکا به گروگان بحران اوکراین تبدیل شده است. برنامه ناتو در رابطه با اوکراین همین روزها به سطل آشغال انداخته خواهد شد. فقط این مسأله باقی می ماند: توسل به برنامه کهنه امریکا، یعنی اصلاح ماجراجویی با تداوم آن. اکنون پارک اوپاما به «خودفریبی» مشغول است. درست مثل سلف خود، جرج بوش کوچک که به پرواز پهبادهای صدام حسین در آسمان تکزاس «باور» می کرد، او هم به تجاوز روسیه به اوکراین و این که هواپیمای مالازیایی را روسیه ساقط کرد، «باور» می کند. پارک اوپاما با سخنان خود، خودش را و همچنین، باقی جهان را برای ایجاد وضعیتی تحریک می کند، که در آن امکان صدور فرمان شروع جنگ جدید در اوکراین فراهم باشد.

با قضاوت بر اساس اقدامات حاکمان کنیف، می توان دید که آنها در جریان تصمیمات واشنگتن هستند و آماده اند جمهوریهای خلق دانستک و لوهانسک را در حلقه محاصره خفه سازند. این، یعنی تدارک برای جنگ جدید. بلافاصله پس از پایان تدارک، برنده جایزه نوبل فرمان حمله را صادر خواهد کرد.

همه راز رمز رفتارهای غیرمتعارف رئیس جمهور امریکا در این خلاصه می شود، که او خطری است برای صلح.

<http://www.fondsk.ru/news/2014/11/17/prezident-usa-kak-opasnost-dlja-mira-30456.html>

۶ آذر - قوس ۱۳۹۳